

موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی؛ (مطالعه موردی: زنان نماینده مجلس^۱)

زهرا حیدری*

عباس کشاورز شکری**

زاهد غفاری هاشجین***

علی مرشدی‌زاد***

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکترای تخصصی رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد است.

* دانشجوی دکترای تخصصی رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (Z.heydari66@yahoo.com)

** (نویسنده مسئول) دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (keshavarz@shahed.ac.ir)

*** دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (ghafari@shahed.ac.ir)

*** دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (morshedizad@shahed.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۲

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره نخست، زمستان ۱۳۹۷، صص ۶۴-۹۴

چکیده

یکی از شاخص‌های اساسی و اصلی توسعه پایدار، مشارکت سیاسی زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی است؛ بنابراین، هر کشوری باید تلاش کند که موانع مشارکت زنان را برطرف کند. مقاله حاضر با هدف پاسخ به این پرسش کلی نگاشته شده است که «موانع ایفای نقش زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی چیست؟». نمونه آماری این پژوهش را ۲۰ نفر از زنان نماینده ده دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌دهند. روش‌شناسی پژوهش مبتنی بر تکنیک تحلیل محتوای کمی و کیفی و تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت یافته در گردآوری داده‌ها و متون مصاحبه‌ها است. تحلیل داده‌ها در محیط Excel و با استفاده از نرم‌افزار ویزیو به شکل نمودار و الگوهای مختلف انجام شده است. براساس یافته‌های پژوهش درباره مقوله‌های مختلف، عوامل گوناگون ساختاری و فرهنگی به‌عنوان موانع مشارکت زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی مطرح شده‌اند؛ مهم‌ترین دلیل عدم حمایت زنان از یکدیگر نیز عوامل اخلاقی (اعتماد به نفس، تنگ‌نظری، و...) ذکر شده است. اصلاح یا تغییر قوانین مربوط به سازمان‌های مدنی، مهم‌ترین و پرطرفدارترین راهکار مطرح شده به‌عنوان یک روش نهادی برای حمایت از زنان بوده و در مورد راهکارهای حمایتی نیز بیشتر به عوامل فکری و فرهنگی، ساختاری، و قانونی اشاره شده است؛ مهم‌ترین اقدام در این زمینه، حذف نگاه جنسیتی است؛ در مورد مقوله شرط‌های ایفای نقش، شرط شایسته‌سالاری و توانمندی بیشترین فراوانی را داشته است. روی هم رفته، پژوهشگران ۴ مقوله اصلی، ۲۰ مقوله فرعی نخست، ۵۸ مقوله فرعی دوم، و ۴۰۳ عبارت معنایی را شناسایی کرده و به‌صورت نمودار، ترسیم و تحلیل کرده‌اند.

واژگان کلیدی: زنان نماینده، تصمیم‌گیری سیاسی، نخبگان سیاسی، مجلس شورای اسلامی

مقدمه

تصمیم‌گیری، جوهره مدیریت و آیینه تمام‌نمای توانایی‌ها و قابلیت‌های یک مدیر است. ریشه‌یابی دلایل موفقیت و عدم موفقیت سازمان‌ها به تصمیم‌های اتخاذشده مدیران آن سازمان‌ها منتهی می‌شود؛ از همین رو نیومن^۱ کیفیت مدیریت را تابع کیفیت تصمیم‌گیری می‌داند و مدعی است که تصمیم‌گیری به‌تنهایی مهم‌ترین نقش مدیر است، زیرا کیفیت طرح و برنامه‌ها، اثربخشی و کارآمدی راهبردها، و کیفیت نتایجی که از آن‌ها به‌دست می‌آید، همگی تابع کیفیت تصمیم‌هایی است که مدیر می‌گیرد (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۳).

یکی از شاخص‌های اساسی توسعه پایدار، مشارکت سیاسی زنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی است. هر کشوری باید تلاش کند که موانع مشارکت زنان را برطرف کند تا زمینه‌های دستیابی به رشد و شکوفایی جامعه در همه عرصه‌ها فراهم شود. حضور زنان در ابعاد مختلف سیاسی، به‌عنوان نیمی از نیروهای انسانی در جوامع بشری، یکی از پیش‌نیازهای توسعه‌یافتگی سیاسی به‌شمار می‌آید. مشارکت زنان از دو جنبه بهره‌مندی جامعه از نیروی آنان و همچنین، احساس رضایت از شرکت در سازندگی کشور از سوی خود زنان، قابل تأمل است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). پژوهش درباره مشارکت زنان در سیاست مهم است، زیرا پایه‌های سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی را طراحی می‌کند تا مشارکت برابر و متعادل زنان و مردان در سیاست به‌دست آید (حاجی‌پور ساردویی، ۱۳۹۸: ۱۲). یکی از چالش‌های اساسی در فرایند دموکراتیزاسیون، حضور کم‌رنگ زنان در سطح رهبری سیاسی و در جایگاه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در تمام دنیا است (حاجی‌پور ساردویی و مقصودی، ۱۳۹۵:

۱)؛ هرچند فرهنگ غالب، زیربنای تمام هنجارها، اعتقادات، و ارزش‌های یک جامعه را شکل می‌دهد (حاجی‌پور ساردویی و مقصودی، ۱۳۹۶: ۴). رهبران سازمان‌های مدافع حقوق زنان بر این نظرند که رفتار و نحوه نگرش سیاسی زنان با مردان متفاوت است. براساس اظهار نظر پاتریشا ایرلند، رئیس سازمان ملی زنان، رأی‌دهندگان بر این نظرند که کاندیداهای زن، قابل اعتمادتر هستند و مسائل را به گونه‌ای پیش می‌برند که دنیا را مکان بهتری برای زندگی می‌کنند (Baxter and Lansing, 1980: 140).

ایران به لحاظ مشارکت زنان در مدیریت (به‌عنوان سررشته‌داران تغییر الگوی جامع زندگی با توجه به حضور مؤثر در ساختارهای تصمیم‌سازانه) وضع نامساعدی دارد، زیرا بانوان در مقیاس‌هایی مانند نسبت درصدی کرسی‌های پارلمانی در اختیار زنان، نسبت درصدی زنان مدیر در مجموعه مدیران کشور، نسبت درصدی زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه شاغلان متخصص کشور و نسبت درصدی سهم زنان از درآمد تحقق‌یافته، اوضاع مناسبی ندارند و در مقیاس دسترسی به ساخت قدرت، بسیار ضعیف هستند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۳). این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که «موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی چیست؟» همچنین، سه پرسش فرعی پژوهش عبارتند از: «راهکارهای حل مسائل زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی چیست؟»، «علت حمایت پایین زنان از یکدیگر در مناصب بالای سیاسی و مدیریتی چیست؟»، «شرط‌های حضور فعال زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی چیست؟» برای پاسخ به پرسش‌های بالا، بیست نفر از زنان نماینده دوره‌های نخست تا دهم به صورت تصادفی انتخاب شدند و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی^۱ با آنان مصاحبه نیمه‌ساختمند انجام شد. منظور از مصاحبه، فراهم کردن گفت‌وگویی است که در آن از مشارکت‌کننده دعوت می‌شود تا روایت‌هایی را در اختیارمان قرار دهد که از طریق آن بتوانیم برای پرسش پژوهش خود پاسخی بیابیم (سیدامامی، ۱۳۹۴: ۲۷). هدف از تحلیل محتوای متن، مصاحبه یا اسناد، شناسایی اهداف، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، متن، یا افراد مصاحبه‌شونده است. به بیان دیگر، در تحلیل محتوا، شناخت ناخودآگاه متن و صاحب متن مورد نظر است (Freud, 1989).

1. Hsieh, H.F. & S.E. Shannon (2005).

این روش می‌تواند وسیله بسیار مناسبی برای تکمیل و مقایسه داده‌ها باشد (Allen, 1990: 251)؛ بنابراین، در این پژوهش، متن مصاحبه از طریق کدگذاری باز به صورت مقوله‌ها و مفاهیم دسته‌بندی شده و سپس، در قالب جدول و نمودار، تفسیر و تحلیل خواهد شد. با توجه به موضوع مقاله حاضر، مسئله پژوهش، چرایی نقش ضعیف زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی است. به لحاظ نوآوری نیز پژوهش حاضر، موانع مشارکت زنان را در مورد نخبگان سیاسی زن و در سطح کلان سیاسی و حکومتی (نه تنها در عرصه پارلمان) به‌ویژه در جایگاه تصمیم‌گیری— بررسی کرده است؛ در حالی که بسیاری از پژوهش‌هایی که پیشتر انجام شده‌اند، منحصر به عرصه خاصی از سیاست بوده و برخی از آن‌ها در جمع‌بندی نتایج ابهام‌هایی داشته‌اند؛ به‌ویژه پژوهش‌های جدید که تنها بر توانمندسازی زنان تأکید دارند.

بنابراین، در راستای پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش از روش‌های مختلف تحلیل محتوا استفاده شده است که کار نسبتاً عمیق و زمان‌بری است؛ همچنین، مصاحبه با بیست نفر از زنان ده دوره مجلس و جناح‌های مختلف سیاسی در نمونه آماری است که مسئله تعمیم نتایج را امکان‌پذیر می‌کند. برای اطمینان کار، در کنار مصاحبه از سایر اسناد و مدارک نیز استفاده شده است. مسئله مهم، استفاده از نمودار، شکل، و جدول است که در قالب آن‌ها با دقت نظر به موشکافی موانع مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان، راهکارها، علت عدم حمایت زنان از یکدیگر (نگاه منفی زن به زن)، اولویت‌های نهادی در حمایت از زنان، و شرط‌های ایفای نقش مدیریتی زنان پرداخته شده است. امید است این اثر بتواند در کنار سایر پژوهش‌ها، پاسخ‌گوی بخشی از مسائل زنان در امر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان باشد.

۱. مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱. تعریف مفاهیم

مشارکت سیاسی: بنا بر تعریف هانتینگتون، مشارکت سیاسی عبارت از فعالیت خصوصی شهروندان به قصد تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری‌های دولت است. میلبرث و راش، داشتن مقام سیاسی و اجرایی را در بالاترین سطح و رأی دادن را در پایین‌ترین سطح مشارکت قرار داده‌اند؛ بنابراین، سه سطح از مشارکت را می‌توان

یافت: ۱) مشارکت فعال؛ ۲) مشارکت انفعالی؛ ۳) مشارکت خنثی یا بی‌اثر. مشارکت فعال، تمایل افراد برای کاندیدا شدن و کسب مقام‌های سیاسی و اجرایی است؛ مشارکت انفعالی، علاقه فرد را برای درگیر شدن در فعالیت‌های احزاب، انتخابات، و رأی‌دهی نشان می‌دهد. مشارکت خنثی و بی‌اثر، گویای بی‌تفاوتی فرد برای تأثیرگذاری در سیاست است. در این پژوهش، مشارکت فعال در سطح مشارکت در تصمیم‌های کلان اجرایی موردنظر است (حاجی‌پور ساردویی، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۵).

نخبگان سیاسی: به اشخاصی گفته می‌شود که پدیده‌های سیاسی را در دو سطح داخلی و بین‌المللی بررسی کنند و با نگاه آینده‌نگرانه، حوادث سیاسی را پیش‌بینی و در بالاترین سطح موردنظر، راهکاری برای مدیریت هوشمندانه وقایع در راستای ارتقای زندگی بشری ارائه دهند؛ به عبارت دیگر، کسانی که مستقیم یا غیرمستقیم در امور سیاسی جاری یا در معادلات سیاسی سهمی داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۶: ۷۱؛ شفیع‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۹). نخبگان سیاسی به معنای بزرگان، صاحبان فکر و شخصیت و توانایی‌های گسترده فکری و سازمان‌دهی است (ترابی، ۱۳۹۲: ۴۴) و سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۶۱).

تصمیم‌گیری: یافتن و انتخاب راه‌حل مسئله معینی را تصمیم‌گیری می‌گویند؛ به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک راه از میان راه‌های مختلف (رحیمی، ۱۳۹۲: ۵۲).

نقش: عبارت است از مجموعه الگوهای رفتاری موردانتظار و مسئولیت‌ها و مزایای مربوط به یک پایگاه اجتماعی. به دیگر سخن، نقش، وظیفه و رفتاری است که فرد با توجه به جایگاه اجتماعی‌اش به عهده می‌گیرد؛ بنابراین، نقش‌هایی که فرد در زندگی ایفا می‌کند، به پایگاه یا پایگاه‌هایی بستگی دارد که وی در زندگی اجتماعی‌اش به دست آورده است؛ در واقع نقش، نقطه اتصالی است میان فرد و جامعه که از راه تحلیل جامعه و فرهنگ و رفتارهای فردی شناخته می‌شود: الگو، آرمانی است که ارزشی را آشکار می‌کند و البته این نقش‌ها می‌توانند در زمان‌ها و مکان‌های متعدد، متفاوت باشند (کونن، ۱۳۸۷: ۸۰؛ توسلی، ۱۳۸۶: ۳۰۲).

۲-۱. مبانی نظری مشارکت سیاسی زنان

مشارکت^۱، به لحاظ لغوی به معنای شرکت داشتن یا درگیر بودن است. روی هم رفته، مفهوم مشارکت، مفهوم جدیدی نیست و در طول تاریخ بشر هر جامعه‌ای به‌نوعی به این مسئله توجه داشته است، اما امروزه این موضوع از ملزومات یک جامعه برای تکامل و دموکراسی است. می‌توان گفت، مشارکت، تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه، و مستدلانه در راستای معنا دادن به عمل و حرکت اجتماعی است که با شرکت دادن اشخاص در فعالیت‌های گروهی تحقق می‌یابد (خاکسار، ۱۳۸۰: ۱۴). مشارکت را براساس سطح (خرد، میانه، کلان)، انگیزه‌های ایجاد آن (درون‌زا، برون‌زا)، چگونگی دخالت مردم (مستقیم، غیرمستقیم)، سطوح فراگیری (محلی، منطقه‌ای، ملی)، کیفیت همکاری مردم (طبیعی، خودانگیخته، داوطلبانه، برانگیخته، تحمیلی، یا اجباری)، سطوح اجرایی و محتوای عملکردی (بهره‌مندی از خدمات، ارزیابی خدمات، ارائه پیشنهاد، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت) و موضوع و قلمرو اجرایی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) می‌توان تقسیم کرد. چنان‌که مشخص شد، مشارکت از ابعاد گوناگونی برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها، مشارکت سیاسی است. از مشارکت سیاسی تعریف‌های فراوانی ارائه شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد (نظری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

- فعالیت‌هایی که شهروندان به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌هایی که کارکنان

اداری و نمایندگی مردم انجام می‌دهند (Parry et al, 1992: 16).

- فعالیت‌های شهروندان که هدفش به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، تأثیرگذاری بر

انتخاب‌های سیاسی‌ای است که در سطوح مختلف یک نظام سیاسی انجام می‌شوند

(Kaase and March, 1979: 43).

- هرگونه عملی که هدفش به‌طور مستقیم، تأثیرگذاری در نهادها و جریان‌ات

سیاسی یا به‌صورت غیرمستقیم، تأثیرگذاری بر جامعه مدنی یا تلاش برای تغییر

الگوهای رفتار اجتماعی باشد (Noriss, 2001: 16).

مشارکت سیاسی می‌تواند در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، احزاب،

انجمن‌ها، و تجربه‌های اجتماعی) و نخبگان حاضر در مجلس، قوه مجریه، و داشتن مناصب عالی (نظری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳) انجام شود؛ ولی هنگامی که از جایگاه زنان در فرایند مشارکت سخن می‌رود، رأی‌دهندگان سربراهی که قرار است تنها در روز رأی‌گیری پای صندوق‌ها باشند (حافظیان، ۱۳۸۳: ۲۰۲)، این‌گونه تلقی می‌شود که این ایستا، سبب‌ساز یک بحران یا آسیب اجتماعی در جامعه می‌شود. این نکته عموماً پذیرفته شده است که حق رأی زنان سبب شهروندی کامل سیاسی نمی‌شود؛ بنابراین، در صورت امکان باید مرزهای سیاست گسترش یابد و به‌سوی سیاست غیررسمی، حرکت کند تا زنان از وضعیت مساعدتری برخوردار شوند. در این روند اصلاح‌گرایانه، دیگر ریشه تفاوت جنسیتی، به تفاوت زیست‌شناختی میان زن و مرد فروکاسته نمی‌شود، بلکه آن را نتیجه فرایند جامعه‌پذیری می‌دانند (بروک، ۱۳۸۵: ۱۵۷). به‌عبارت روشن‌تر، همواره به ما تلقین می‌شود که زنانه یا مردانه بودن، طبیعت «زیست‌شناختی» ماست، اما اگر ساختارهای مردسالار تغییر کند، این طبیعت نیز دگرگون خواهد شد. فرهنگ مردسالاری با تقسیم کار و واگذار کردن انجام امور خانه به زنان، در عمل به‌نوعی سبب سلب فرصت مشارکت برابر زنان شده و به‌تدریج به‌صورت یک نهاده ذهنی درآمده است که براساس آن، الگوهای رفتاری متناسب با همان ارزش‌ها را به زنان ارائه می‌دهد؛ منزوی کردن زنان در خانه برای خدمت‌گزاری به شوهر، فرزند، یا جمع خانواده، نمونه‌ای از این مورد است که می‌تواند آسیب‌های دیگری را با خود بیوراند و نوعی «ساخت اجتماعی مؤنث ابدی» (فریدمن، ۱۳۸۱: ۲۶) را به‌گونه‌ای پیوسته، مقاوم‌تر و پایاتر می‌کند. سیاست، عمدتاً یک هویت مذکر داشته و گویی مردان را از نوعی «رانت موقعیت» (رئیس دانا، ۱۳۸۳: ۲۴) برخوردار کرده و آنان را در جایگاه بالای ساختار سیاسی قرار داده است. زنان به‌تدریج به‌جای «سیاست آرا» (که زن را پاسخ‌گوی زنان و مردان در فرایند نمایندگی و سیاست می‌داند) به‌سوی «سیاست حضور» حرکت می‌کنند که در آن، منافع زنان در نمایندگی بازنمایی می‌شود، زیرا جنسیت نشان می‌دهد که زنان انتخاب‌شده باید در هویت، شخصیت، و تجربه زنان انتخاب‌کننده سهیم و همانند باشند (فریدمن، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۳).

تفکیک شغل براساس جنس، نخستین روشی است که جامعه مبتنی بر سرمایه‌داری برای حفظ برتری مردان بر زنان به‌کار می‌گیرد، زیرا در بازار دستمزد

کمتری را به زنان تخصیص می‌دهد. دستمزد پایین، زنان را به مردان وابسته نگه می‌دارد و باعث تشویق آن‌ها به ازدواج می‌شود. در این صورت، مردان هم از دستمزد بالاتری برخوردار می‌شوند و هم نفع تقسیم کار در خانه به آن‌ها می‌رسد. در عوض، این تقسیم کار خانگی باعث می‌شود که موقعیت زنان در بازار کار تضعیف شود. از اینجاست که تقسیم سلسله‌مراتبی کار خانگی توسط بازار کار استمرار می‌یابد و برعکس (هارتمن، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

برخی مدعی شده‌اند که تفاوت‌های زیست‌شناختی، زنان را از مشارکت در حوزه عمومی ناتوان می‌کنند؛ داوری این افراد این‌گونه است که زنان، کمتر از مردان منطقی هستند، بیشتر تحت تأثیر عواطف قرار دارند و در نتیجه، به‌عنوان نمونه، قادر به تصمیم‌گیری نیستند. برخی دیگر بر این نظرند که ساختار سیاسی مردسالارانه، تمرکزگرایی و انحصار همه‌جانبه قدرت را فراهم می‌کند و از پیوند دانش و قدرت برای تولید و بازتولید خود بهره می‌گیرد. برخی معتقدند، نوعی برداشت مذهبی، پیوند فرادستی و فرودستی میان مرد و زن را از اصول اساسی اسلام تلقی کرده و بر این اساس به شدت به تفکیک امور زندگی خانوادگی و اجتماعی پایبند شده و بر این باور است که برخی امور، ذاتاً مردانه و برخی دیگر، ذاتاً زنانه هستند.

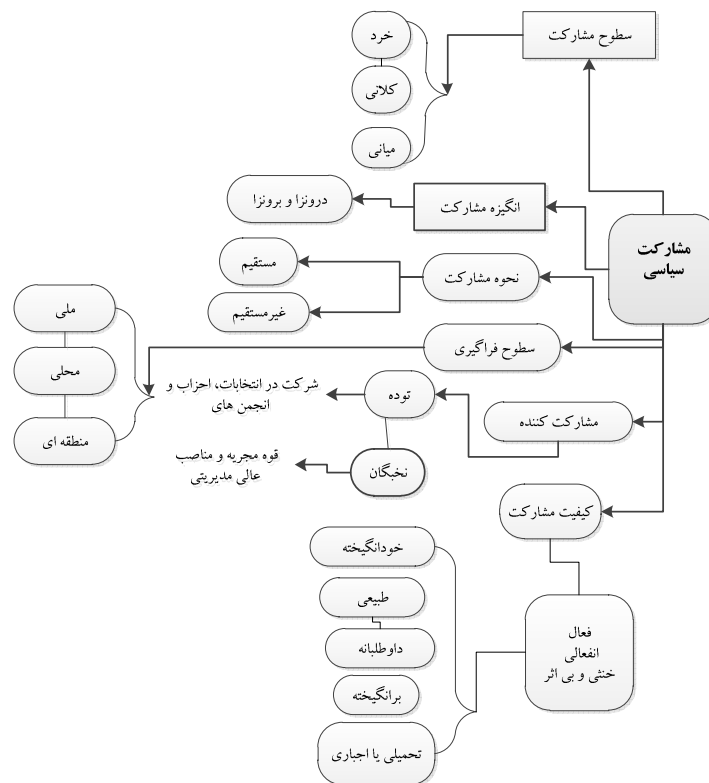
عده‌ای نیز خود زنان را معمار جامعه مردسالار تلقی کرده و بانوان را سبب‌ساز تلقی «جنس دوم» دانسته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، بر این نظرند که زنان اعتماد به نفس ندارند، به توانایی‌های خود باور ندارند، تفکیک را پذیرفته‌اند، احساس حاشیه‌ای بودن و ارزش نداشتن دارند، فکر می‌کنند در حوزه عمومی جامعه اضافی هستند، احساس عدم حق مالکیت دارند، فکر می‌کنند قادر به تصمیم‌گیری نیستند، و به‌طور کلی احساس اضطراب و عدم کنترل بر برون و درون خانه می‌کنند (ناجی راد، ۱۳۸۲: ۳۶).

از این رو، در عرصه سیاست نیز دچار عقب‌ماندگی شده‌ایم و حضور بسیار کم زنان در عرصه تصمیم‌گیری نهاد قوه مقننه از ۱/۵ تا ۵/۶ درصد و در اختیار داشتن تنها دو درصد از کرسی‌های مدیریت دستگاه‌های دولتی کشور (از مجموع ۱۷۵۶۳ پست مدیریتی) گویای این وضعیت است. در حال حاضر در کشور ما شمار مدیران مرد، ۳۵ برابر مدیران زن است (دوانی، ۱۳۸۳: ۵۵).

۳-۱. الگوی مفهومی پژوهش

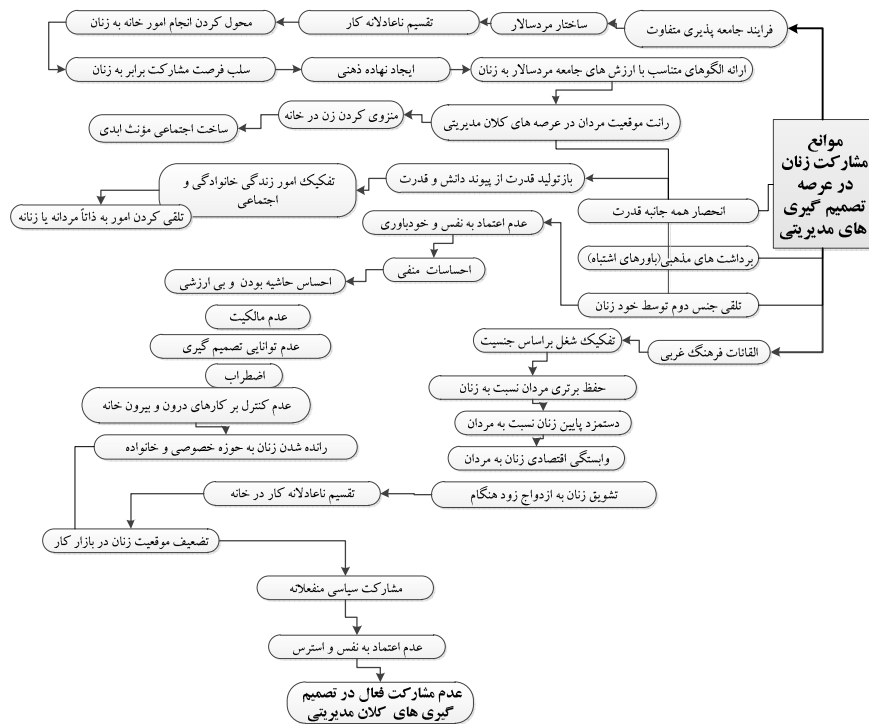
در یک چارچوب نظری الگو، نمادی از واقعیت است که برای تبیین بخش‌های مختلف یک پدیده اجتماعی به کار می‌رود. الگو را انتزاعی از واقعیت می‌دانند که به منظور نظم دادن و ساده‌سازی دیدگاه ما از واقعیت به کار می‌رود. الگوی مورد استفاده در این پژوهش مبتنی بر نظریه مشارکت سیاسی است. به گونه‌ای که در این پژوهش — براساس دسته‌بندی بحث مشارکت سیاسی به لحاظ سطوح مشارکت — سطح کلان مورد نظر است؛ چگونگی دخالت به صورت مستقیم و غیرمستقیم، کیفیت همکاری تحمیلی یا اجباری در مقابل طبیعی و داوطلبانه، مشارکت فعال در حوزه تصمیم‌گیری‌های کلان در برابر مشارکت منفعل و خنثی، و گروه مشارکت در سطح نخبگان سیاسی، سطوح فراگیری ملی هستند.

شکل شماره (۱). الگوی نظری ابعاد مشارکت سیاسی



منبع: یافته‌های نظری پژوهش

شکل شماره (۲). الگوی نظری موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان مدیریتی



منبع: یافته‌های نظری پژوهش

۲. روش پژوهش

روش‌های پژوهش، ابزارهای دستیابی به واقعیت به‌شمار می‌آیند و مجموعه‌ای از فعالیت‌ها هستند که برای رسیدن به هدفی انجام می‌شوند (مدرس زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸). از آنجاکه پژوهشگران به تحلیل محتوا به‌عنوان روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل داده‌ها توجه ویژه‌ای دارند (Cavanagh, 1997: 5) در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی به شیوه تلفیقی بهره گرفته‌ایم. تعداد مصاحبه‌ها در طول پژوهش به دو عامل کفایت (پوشش همه افراد نمونه موردنظر) و اشباع (رسیدن به نقطه‌ای که دیگر مطلب جدیدی دستگیر نمی‌شود) بستگی دارد. روش مصاحبه نیمه‌ساختمند به این دلیل انتخاب شده است که امکان می‌دهد که در یک فرایند معتبر کیفی، جزئیات دیدگاه‌های زنان نماینده را دریابیم. ابزار تحلیل مصاحبه‌ها، تحلیل محتوا خواهد بود که در این نوع تحلیل متنی که روش انعطاف‌پذیر و مناسبی برای تحلیل کیفی داده‌های

متنوع به دست آمده از مصاحبه است— می توان مضمون های مهم، رابطه آن ها، و تفسیرهای مناسبی از داده های مصاحبه را نشان داد (Furber, 2010: 97). این روش کمک می کند تا رد پای مفاهیم حساسیت زا در متن گفته های زنان نماینده دیده شود و امکان اصلاح یا تکمیل نظریه را نیز فراهم می کند (Smith, Firth, 2011: 52). به این ترتیب، در این پژوهش از روش تحلیل محتوا بهره گرفته ایم، زیرا این روش می تواند در تهیه الگوهای عملکردی به پژوهشگر کمک کند و همچنین، به عنوان یک روش می تواند به گونه ای معکوس و از طریق تحلیل محتوا، امکان شناخت اندیشه و سبک یک نویسنده یا شاعر را فراهم کند و از طریق آن می توان به توصیف رسید و پس از آن به تحلیل علیت دست یافت (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۳۸).

انواع تکنیک های تحلیل محتوا را می توان در دو نوع کمی و کیفی دسته بندی کرد: تحلیل محتوای کمی، به عنوان روشی برای شمارش عناصر یا عوامل متنی آشکار و به منظور آزمون فرضیه ها یا پاسخ به پرسش های برآمده از پژوهش های تجربی پیشین و نظری است، اما در رویکردی متفاوت و به منظور رفع کاستی های تحلیل محتوای کمی، گرایش به تحلیل محتوای کیفی ایجاد شده است. کیفی گرایان دو ایراد اساسی را بر کمی گرایان (در تحلیل محتوا) وارد می دانند: کمی بودن تحلیل محتوا باعث سطحی شدن تحلیل و غفلت از داده های معدود ولی باارزش می شود در حالی که گاهی حضور حتی یک نماد می تواند ارزش حیاتی داشته باشد؛ بنابراین، روش کیفی تحلیل محتوا بر اساس استنباط نتایج مبتنی بر بودن یا نبودن ویژگی هایی است که در پیام تعریف شده است (هولستی، ۱۳۷۳: ۲۲).

گفتنی است در پژوهش حاضر، با ۲۰ نفر از زنان نماینده به صورت تصادفی مصاحبه نیمه ساختمند انجام شده است. مصاحبه نیمه ساختاریافته، مصاحبه ای است که در آن، پرسش ها از پیش مشخص می شوند و از تمام پاسخ دهندگان، پرسش های مشابهی پرسیده می شود، اما آن ها آزاد هستند که پاسخ خود را به هر طریقی که می خواهند، مطرح کنند؛ البته جزئیات مصاحبه، شیوه بیان، و ترتیب آن ها در راهنمای مصاحبه مطرح نمی شود و این موارد در طول فرایند مصاحبه تعیین می شوند (دلاور، ۱۳۸۳: ۱۵۷). در مرحله بعد، متن مصاحبه از حالت گفتاری به نوشتاری تبدیل و سپس به صورت مفاهیم و مقوله ها خلاصه سازی و کدگذاری شد. در نهایت نیز متون، تفسیر و

تحلیل شدند. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه به‌شکل نمودارهایی در محیط اکسل انجام شده و افزون‌براین، از نرم‌افزار ویزیو نیز استفاده شده است. به‌این‌ترتیب، این کار در دو سطح انجام شد؛ ابتدا داده‌های مصاحبه دسته‌بندی و توصیف شده و سپس، با تفسیر بیشتر یافته‌ها آن را در ارتباط با مقوله‌های بیشتر کاویده‌ایم. ویژگی‌های زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان به‌شرح جدول زیر هستند:

جدول شماره (۱). ویژگی‌های زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مصاحبه‌شوندگان	سن	تحصیلات	دوره نمایندگی	حوزه انتخابیه
۱	عاتقه صدیقی	۱۳۳۲	ششم ابتدایی	۳، ۲، ۱	تهران
۲	گوهرالشریعه دستغیب	۱۳۱۴	فوق لیسانس	۳، ۲، ۱	تهران
۳	مریم بهروزی ^(۱)	۱۳۳۴	متوسطه و حوزوی تا سطح	۴، ۳، ۲، ۱	تهران
۴	منیره نوبخت	۱۳۳۹	فوق لیسانس	۵ و ۴	تهران
۵	اختر درخشنده	۱۳۳۱	فوق لیسانس	۴	کرمانشاه
۶	زهرا پیشگاهی‌فرد	۱۳۳۴	دکتری	۵	اصفهان
۷	فائزه هاشمی	۱۳۴۱	دکتری	۵	تهران
۸	مرضیه صدیقی	۱۳۳۶	فوق لیسانس	۵	مشهد
۹	اکرم مصوری‌منش	۱۳۳۸	لیسانس	۶	اصفهان
۱۰	حمیده عدالت	۱۳۳۵	دکتری	۶	دشتستان
۱۱	الهه کولایی	۱۳۳۵	دکتری	۶	تهران
۱۲	فاطمه آلیا	۱۳۳۵	فوق لیسانس	۹، ۸، ۷	تهران
۱۳	فاطمه رهبر	۱۳۴۳	دکتری	۹، ۸، ۷	تهران
۱۴	لاله افتخاری	۱۳۳۸	دکتری	۹، ۸، ۷	تهران
۱۵	فاطمه آچورلو	۱۳۴۵	دکتری	۸ و ۷	کرج
۱۶	عفت شریعتی	۱۳۳۱	دکتری	۸ و ۷	مشهد
۱۷	سکینه عمرانی	۱۳۵۱	فوق لیسانس	۹	سمیرم
۱۸	حلیمه عالی	۱۳۴۹	پزشک	۹	سیستان
۱۹	سکینه الماسی	۱۳۵۷	دانشجوی دکتری	۱۰	عسلویه
۲۰	حمیده زرابادی	۱۳۵۹	فوق لیسانس	۱۰	قزوین

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی
 میزان حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی اعم از مدیریت کلان و خرد در کشور ما بسیار ناچیز است. به‌رغم همه دستاوردها و موفقیت‌های زنان، هنوز هم جای آنان در بسیاری از مشاغل و مناصب خالی است و آنان همچنان در حوزه قدرت، اعم از اقتصادی و

سیاسی، پایین تر از مردان هستند (دادپور، ۱۳۹۰: ۳). آمارها حاکی از عدم استفاده از نیروی عظیم زنان در عرصه‌های مدیریتی است. از این نظر، کشور ما در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان در وضع بسیار نامساعدی قرار دارد و به‌طور کلی، در جامعه ما تعداد مدیران زن بسیار اندک است و مشارکت زنان در سطوح مدیریتی، حالت غیرعادی و بیمارگونه‌ای دارد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲). این معضل باعث شده است که از توانمندی‌های فکری، تخصصی، و قابلیت‌های مدیریتی زنان به‌خوبی استفاده نشود. به‌این ترتیب، جامعه در حال توسعه ما از این وضع زیان می‌بیند. پیش‌نیاز درمان، آگاهی از وجود بیماری و شناسایی عوامل به‌وجودآورنده آن است. در این مورد نیز مصلحان و دوران‌پیشانیان از وجود بیماری آگاه شده‌اند. چنین باوری به‌وجود آمده است که معضل یادشده، اولاً از اولویت‌های جامعه است، ثانیاً، متغیرهای آن قابل شناسایی است، و ثالثاً حل‌شدنی است.

در این راستا و براساس اصول تحلیل چارچوب، مقوله‌هایی شناسایی شده‌اند که عبارتند از: موانع نقشی، راهکارهای افزایش نقش، میزان حمایت از هم، شرط‌های نقشی در مورد تصمیم‌گیری‌های زنان در عرصه سیاسی-مدیریتی مورد بررسی، و تحلیل و تفسیر. در جدول‌های زیر، متن مصاحبه و مقوله‌های مورد نظر خلاصه و کدگذاری باز شده‌اند و تحلیل آن‌ها نیز در ادامه و در قالب نمودار، نشان داده شده است.

۱-۳-۱. ارزیابی مسائل و موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در تصمیم‌گیری‌های کلان

حضور زنان (به‌عنوان نیمی از نیروهای انسانی در جوامع بشری) در ابعاد مختلف سیاسی یکی از پیش‌نیازهای توسعه‌یافتگی سیاسی به‌شمار می‌آید؛ از این رو، تقریباً تمام کشورها بر به‌کارگیری نیروی زنان در اداره امور سیاسی برای رسیدن به اهداف توسعه تأکید دارند (خسروی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). زنان به‌عنوان شهروندانی متعهد و مسئول سعی دارند نقش مؤثری در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه ایفا کنند، اما در این مسیر با موانع و محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند که مانع بروز توانمندی‌ها و کارایی آنان در جامعه است؛ بنابراین، حل این مسائل، پیش از هر چیز، نیازمند ریشه‌یابی و علت‌ها آن‌ها است تا بتوان راهکارهایی برای بهبود شرایط ارائه داد. در جدول شماره (۲) (از طریق مصاحبه) موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی بررسی شده است؛ پس از پیاده‌سازی متون مصاحبه‌های انجام‌شده، متن نوشتاری مصاحبه‌ها، کدگذاری باز و

محوری شده و روی هم رفته، از مصاحبه‌های یادشده ۲۵۷ عبارت معنایی در مورد موانع مشارکت زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری استخراج شد که به چندین مقوله از نوع درجه اول و دوم بسط یافته است. در مجموع، ۳۸ مقوله درجه اول و دوم (فرعی) و همچنین، یک مقوله اصلی استخراج شد که داده‌های به دست آمده به تفکیک فراوانی مقوله‌ها و عبارتهای معنایی در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

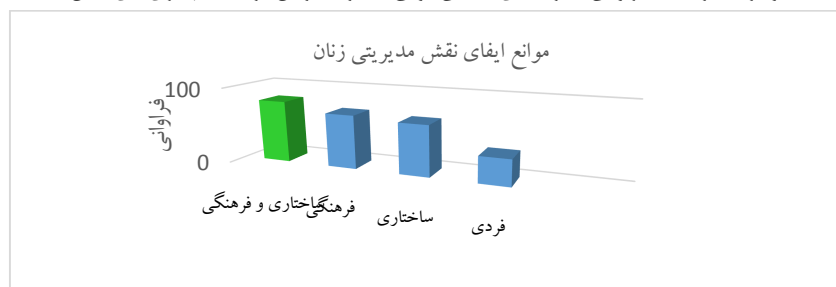
جدول شماره (۲). استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش

ردیف مقوله	مقوله‌های فرعی		عبارت‌های معنایی	فراوانی	
	مقوله‌های درجه اول	مقوله‌های درجه دوم			
۵۰	ساختاری و فرهنگی	مردسالاری	مردسالار بودن جامعه؛ عدم شراکت آقایان با خانم‌ها در قدرت؛ قانع کردن و در نظر گرفتن منفعت آقایان در تصمیم‌ها؛ نپذیرفتن واگذاری مسئولیت‌ها توسط آقایان به خانم‌ها؛ دادن فرصت بیشتر به آقایان؛ ایجاد محدودیت توسط آقایان		
			در رأس بودن سیاستمداران پولدار	قرار گرفتن پولدارها در رأس کار سیاستمداران	۱
			تقسیم ناعادلانه وظایف	تلقین لزوم انجام کارهای داخل خانه به زن	۲۰
			هزینه سیاسی	بالا بودن هزینه کار سیاسی	۱۰
۳۶	فرهنگی	باور نداشتن توانمندی زنان	ذاتی بودن مدیریت زنان؛ بی‌توجهی به توانایی چندبعدی بودن کارایی زنان؛ توجه به الگوهای چون حضرت خدیجه و بلقیس؛ داشتن پزشک و نقاش زن خوب؛ قوی بودن زنان در هنگام تهدید		
			فاصله فکری میان رهبران و مجریان	نگرش ارتجاعی به وظایف زنان؛ نگاه جنسیتی حاکم؛ تأکید بر خانه‌نشینی زنان	۳
			حمایت‌های شعاری	لفظی و ظاهری بودن شعارهای حمایتی آقایان از خانم‌ها	۳
			باورهای اشتباه	یک نوع اندیشه و باور اشتباه از اسلام باعث عدم درک اقدام به موقع	۳
			بزرگنمایی اشتباه‌ها	بزرگنمایی کوچک‌ترین اشتباه‌های خانم‌ها	۱۰
۱	خانواده	تحمیل	سخت‌گیری خانواده در مور مسائل مهریه، تجملات، و مراسم	۱	
		مخالفت	مخالفت خانواده‌ها با حضور فعال زنان	۱	
۱	عدم همسویی با تحول فرهنگی	عدم همسویی با تحول فرهنگی	تحول جامعه در عرصه فرهنگی و اندیشه‌ورزی	۱	
		اکتسابی و تربیتی	ضعف نظام آموزش و پرورش	۱۲	
۱	القائات فرهنگی	تلقین فرهنگ غربی	القائات اجتماعی و فرهنگی جامعه به زنان؛ القائات فرهنگ غربی از طریق رسانه و دوستان	۱	
		مردانه بودن برخی کارها	مردانه بودن بعضی از کارها	۳	
		تلقین ضعف‌ها	نسبت دادن کوچک‌ترین تزلزل در خانواده به ضعف مدیریتی زن	۱	
۷	ساختاری	به‌کارگیری غیراصولی	عدم معرفی زنان توانمند برای به‌کارگیری در ساختار قدرت	۷	
		ساختاری بودن مسائل	ساختاری بودن مسائل زنان	۲	

۱۷	به بردگی گرفتن زنان در بنگاه‌های مختلف؛ وضع قوانین ناعادلانه و متناقض برای زنان در ساختارها؛ بی‌توجهی به حل مسائل زنان در ساختارها	ساختار جنسیتی	قوانین ناعادلانه ساختاری	
			عدم اجرای نظام سهمیه‌بندی ^۱	
۷	محدودیت و بی‌میلی سیاسی ناشی از تداخل زمانی وظایف خانه‌داری و کاری	تداخل زمانی کاری		
۳۶	انتحصار قدرت توسط مردان، داشتن شانس بیشتر مردان برای نشان دادن توانایی خود در جامعه و شناخته شدن؛ پولدارتر شدن و برخورداری از امکانات مالی برای تبلیغات	مردسالاری	انتحصار قدرت	
		علما	انتحصار قدرت توسط علما	
۲	علاقه خانم‌ها به مظلوم واقع شدن	مظلوم‌نمایی		فردی و روانی
۱۵	کمبود اعتمادبه‌نفس	عدم خودباوری		
۲	برخی از رفتارهای متناقض خانم‌ها	رفتارهای متناقض		
۲	بی‌میلی سیاسی به دلیل عدم موفقیت‌های پیشین	عدم موفقیت‌ها		
۸	عدم استقبال و حمایت زنان از پزشکان زن	عدم حمایت زنان از یکدیگر		
۵	عدم دفاع زنان از حقوق انسانی ناشی از ناآگاهی	ناآگاهی		

منبع: یافته‌های پژوهش

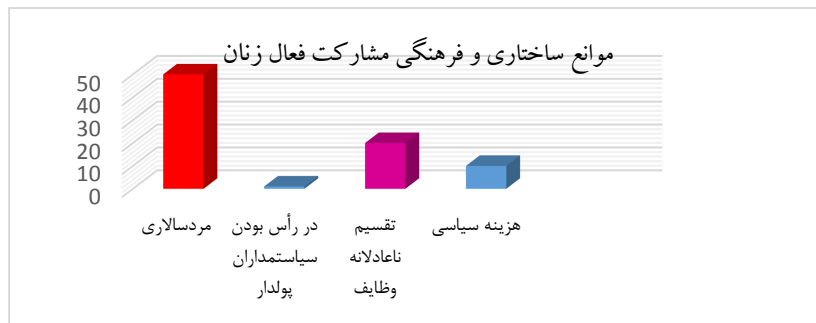
نمودار شماره (۱). فراوانی عبارتهای معنایی موانع مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان



منبع: نگارنده (براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه در جدول شماره ۱) در بررسی موانع ایفای نقش زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۲)، در قالب نمودار شماره (۱) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که بیشترین فراوانی عبارتهای معنایی مربوط به موانع مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان براساس مقوله‌های فرعی اول، عوامل ساختاری و فرهنگی با هم هستند. هرچند عوامل فرهنگی، زمینه‌ساز هستند، اما (به‌دلیل پیروی ساختارها از فرهنگ جامعه) این عوامل

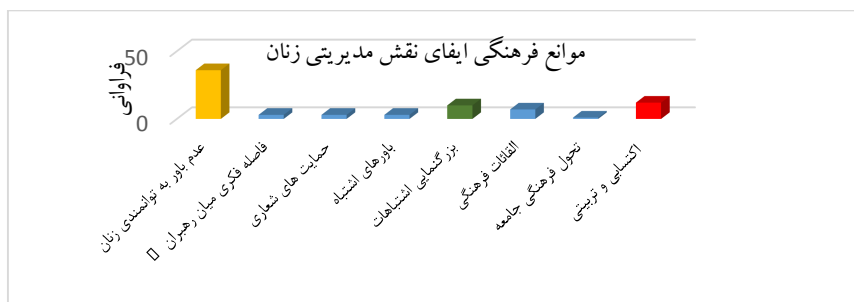
می‌توانند بر یکدیگر اثرگذار باشند و مانع حضور فعال زنان در عرصه کلان تصمیم‌گیری شوند. نکته مهم در میان یافته‌ها این است که «مسائل زیستی و تفاوت‌های بیولوژیکی، تأثیری بر عدم حضور فعال زنان در جایگاه کلان مدیریتی ندارند» و همچنین، «مسائل فردی در این مورد نقش بسیار اندکی دارند».

نمودار شماره (۲). فراوانی عبارتهای معنایی موانع مشارکت زنان براساس عوامل ساختاری و فرهنگی



منبع: نگارنده (براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه در جدول شماره ۲) در بررسی موانع ایفای نقش زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۲)، در قالب نمودار شماره (۲) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که از میان موانع ساختاری و فرهنگی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان، بیشترین فراوانی (به‌نظر مصاحبه‌شوندگان) به «مسئله مردسالاری» اختصاص دارد.

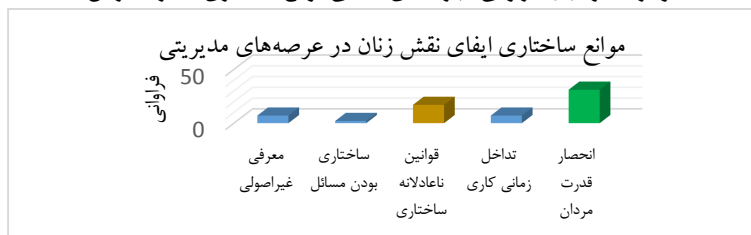
نمودار شماره (۳). فراوانی عبارتهای معنایی موانع فرهنگی مشارکت زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان



منبع: نگارنده (براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه در جدول شماره (۲) در بررسی موانع ایفای نقش زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول

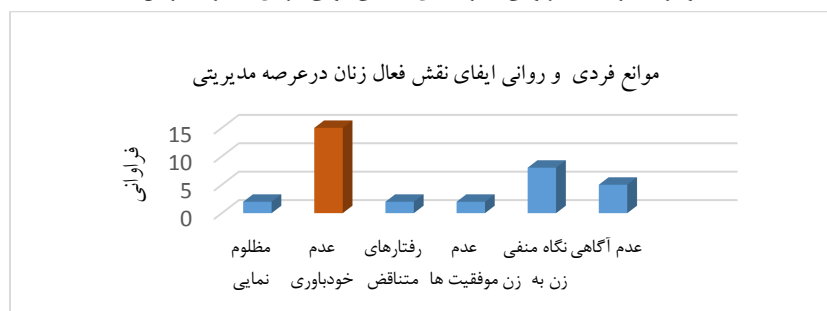
شماره (۲)، در قالب نمودار شماره (۳) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که از نظر اغلب مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین مانع فرهنگی مشارکت نخبگان سیاسی زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان، «باور نداشتن توانمندی‌های زنان» است.

نمودار شماره (۴). فراوانی عبارتهای معنایی موانع ساختاری مشارکت زنان



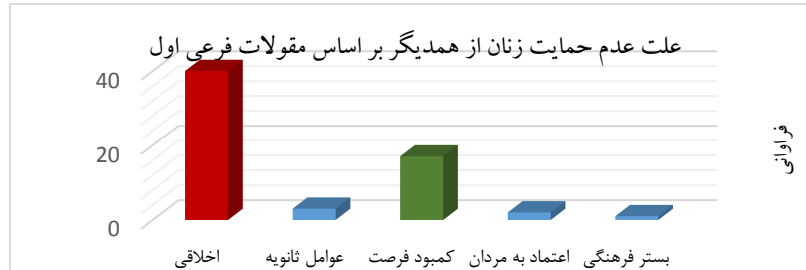
منبع: نگارنده (براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه در جدول شماره ۲) در بررسی موانع ایفای نقش زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۲)، در قالب نمودار شماره (۴) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که (به‌نظر مصاحبه‌شوندگان) مهم‌ترین مانع ساختاری مشارکت نخبگان سیاسی زن در تصمیم‌گیری‌های کلان، «انحصار قدرت در جامعه توسط مردان» است.

نمودار شماره (۵). فراوانی عبارتهای معنایی موانع فردی مشارکت زنان



منبع: نگارنده (یافته‌های پژوهش) در بررسی موانع فردی و روانی مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره ۲، در قالب نمودار شماره (۵) تحلیل شده است. یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها حاکی از این است که مهم‌ترین مانع فردی مشارکت

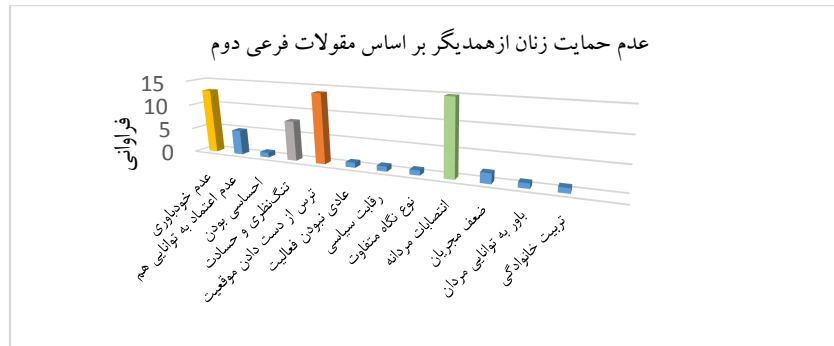
نمودار شماره (۶). فراوانی عبارتهای معنایی، علت عدم حمایت زنان از یکدیگر براساس مقوله‌های فرعی اول



منبع: نگارنده (یافته‌های پژوهش).

در بررسی علت عدم حمایت زنان از یکدیگر در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۳)، در قالب نمودار شماره (۶) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که «عوامل اخلاقی» به‌عنوان مهم‌ترین علت عدم حمایت زنان از یکدیگر براساس مقوله‌های فرعی اول — بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

نمودار شماره (۷). فراوانی عبارتهای معنایی علت عدم حمایت زنان از یکدیگر براساس مقوله‌های فرعی دوم



منبع: نگارنده (یافته‌های پژوهش).

در بررسی علت عدم حمایت زنان از یکدیگر در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۳)، در قالب نمودار شماره (۷) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که «انتصابات مردانه» و «ترس از دست دادن موقعیت و عدم خودباوری» به‌عنوان مقوله فرعی دوم، (پس از موارد اخلاقی) مهم‌ترین عوامل عدم حمایت زنان از یکدیگر هستند.

۳-۱-۳. نهادهای مدنی یا تغییر قوانین

در جامعه ما وجود سازمان‌های مدنی (احزاب، انجمن‌ها، و...) و قوانین کشور، هر یک در جای خود می‌توانند در حل مسائل جامعه تأثیرگذار باشند. برای برنامه‌ریزی بهتر در راستای ارتقای حضور فعال سیاسی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی، نیازمند بررسی این نکته هستیم که در اولویت قرار گرفتن کدام یک از دو عامل سازمان‌های مدنی، و قوانین سدر برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها - بهتر می‌تواند سبب شود که به اهداف توسعه و نظام متکامل همراه با به‌کارگیری زنان برسیم. در اینجا به این پرسش پاسخ داده شده و سپس، تحلیل یافته‌های پژوهش در قالب نمودار ترسیم شده است. روی هم رفته، ۳۷ عبارت معنایی از مصاحبه‌های یادشده در مورد نهادهای مدنی یا تغییر قوانین استخراج شد که به چندین مقوله از نوع درجه اول و دوم بسط یافت. تعداد ۱۷ مقوله درجه اول و دوم (فرعی) و همچنین، یک مقوله اصلی استخراج شد که در جدول شماره (۴) به تفکیک فراوانی مقوله‌ها و عبارات‌های معنایی ارائه شده است.

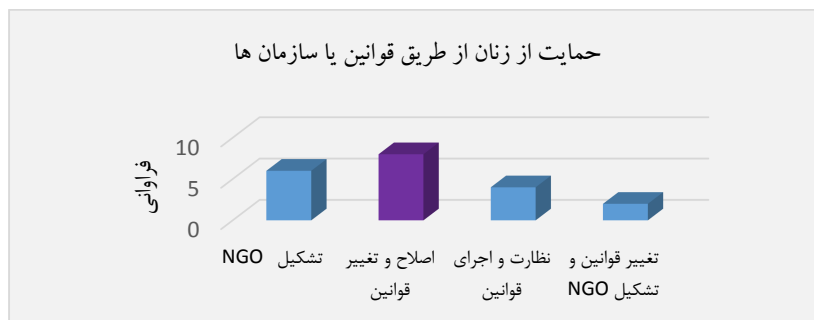
جدول شماره (۴). استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش

فرآیند	عبارت‌های معنایی	مقوله‌های فرعی		مقوله‌های اصلی
		مقوله‌های درجه دوم	مقوله‌های درجه اول	
۸	فرهنگی بودن مشکل زنان؛ مهم بودن تربیت فرزند؛ حفظ سنت‌های اصیل اسلامی؛ قرار گرفتن زنان در جایگاه خود با تأکید بر عمل کردن؛ عوض شدن نوع نگاه‌ها؛ عدم نگاه ابزاری و تلقی کردن جنس دوم؛ کنار گذاشتن نگاه منفی زن به زن؛ عدم تخریب یکدیگر؛ حل مسئله ضعف نفسانی و عدم خودباوری با آموزش و تربیت در حوزه فرهنگ	تربیت	آموزش و تربیت	اولویت‌های حمایت از زنان (نهادهای مدنی یا تغییر قوانین)
۱	مشکلات ناشی از چالش‌های مختلف بین مجریان و رهبران؛ افزایش آگاهی، اعتماد به نفس، و مسئولیت‌پذیری زنان	فرهنگ‌سازی و بصیرت بخشی		
۱	مشارکت بیشتر مردم لازمه موفقیت بیشتر	عدم وابستگی به دولت		
۱	مردم بهترین کاتالیزور هستند	اصلاح رفتارها و عادات		
۱۰	مطالبه و فشار اجتماعی، لازمه تغییر سریع‌تر قوانین توسط حاکمان جامعه؛ مردسالار بودن ساختارها؛ تغییر قوانین، لازمه تغییر عرف و فرهنگ	مطالبه اجتماعی		اصلاح و تغییر قوانین
۲	نیازمند اصلاح قوانین برای رفع تبعیض از قوانین در حوزه زنان	رفع تبعیض از قوانین		

۱	افزایش مشاغل خانگی و نقش بازاریابی و سیاست‌گذاری دولت	افزایش مشاغل خانگی	
۱		نقش بازاریابی دولت	
۷	دغدغه حاکمیت در حمایت از زنان؛ ارائه تسهیلات لازم در اختیار زنان شاغل؛ اجرای قوانین مربوط به زنان؛ انحراف بعضی از سازمان‌های مدنی غیراسلامی؛ حمایت از برخی سازمان‌های مدنی توسط قوانین دولتی؛ وضع قوانین جدید در صورت نیاز	اجرا و نظارت	نظارت بر اجرای قوانین
۳	نیاز به اصلاح قوانین و فعال بودن NGOهای توانمند	توجه به نیاز	تغییر قوانین و تشکیل NGO
۲	آموزش مهارت‌ها و آگاهی‌بخشی به زنان در دفاع از حقوق خود توسط نهادهای مدنی؛ برداشتن موانع قانونی و هدف قرار دادن جنسیتی بودن برنامه توسعه به لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسط قوانین	رویکرد همه‌جانبه و سیستمی	

منبع: نگارنده (براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با زنان نماینده مجلس)

نمودار شماره (۸). فراوانی عبارتهای معنایی حمایت از زنان در قالب نهادهای مدنی یا تغییر قوانین



منبع: نگارنده (یافته‌ها براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه در جدول شماره ۴) در بررسی مؤلفه حمایت از زنان در قالب نهادهای مدنی یا تغییر قوانین، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۴)، در قالب نمودار شماره (۸) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که از بین دو مؤلفه «حمایت از زنان در قالب نهادهای مدنی»، «یا تغییر قوانین»، مقوله «اصلاح و تغییر قوانین» به‌عنوان مقوله فرعی اول، بیشترین فراوانی را داشته است.

۳-۱-۴. راهکارهای افزایش حضور نخبگان سیاسی زن در جایگاه تصمیم‌گیری‌های کلان‌مدیریتی یکی از معیارهای اساسی در ارزیابی سطح توسعه در جامعه، مقوله مشارکت سیاسی است. افزایش مشارکت سیاسی، نشان‌دهنده کاهش بی‌توجهی افراد جامعه به سرنوشت سیاسی و حرکت جامعه به‌سوی توسعه سیاسی است؛ بنابراین، ضروری

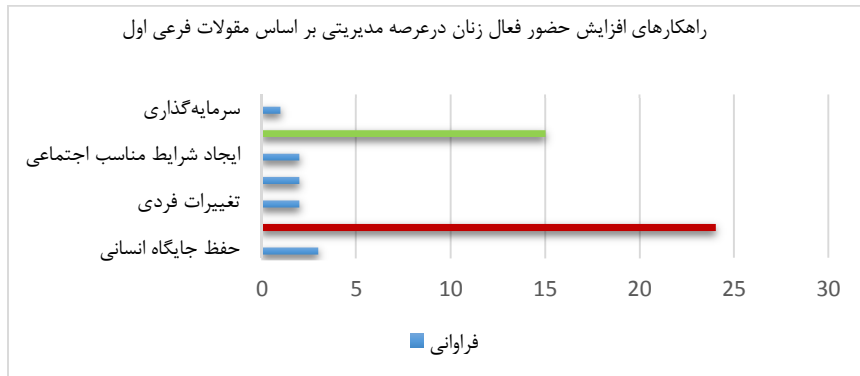
است که افزون‌بر شناخت موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و مدیریتی، راهکارهای افزایش مشارکت آن‌ها نیز بررسی شود. پس از مصاحبه با بیست نفر از زنان نماینده، روی‌هم‌رفته، ۴۷ عبارت معنایی در مورد نهادهای مدنی یا تغییر قوانین استخراج شد که به چندین مقوله از نوع درجه اول و دوم بسط یافت. تعداد ۲۰ مقوله درجه اول و دوم (فرعی) و همچنین، یک مقوله اصلی استخراج شد که به تفکیک فراوانی مقوله‌ها و عبارتهای معنایی در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

جدول شماره (۵). استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش

فراوانی	عبارتهای معنایی	مقوله‌های فرعی		مقوله‌های اصلی
		مقوله‌های درجه دوم	مقوله‌های درجه اول	
۱	پرهیز زنان از انجام کار اضافی و بیهوده	عدم بطالت	حفظ جایگاه انسانی	راهکارهای افزایش حضور فعال زنان در عرصه مدیریتی
۱	تأکید بر توجه اسلام به نفس واحده	ترویج فرهنگ مسلمانی		
۱	توجه به توانایی جسمی و فکری زن	توجه به توانایی‌ها		
۲۲	تغییر در سطح ساختارها به‌دلیل مکتوب و نهادینه بودن ساختار و قوانین، زمان‌بر و تدریجی بودن تغییرات فرهنگی؛ توجه به فعالیت‌ها زنان بدون نگاه جنسیتی؛ توجه به فعالیت‌ها و توانمندی زنان در ساختارها	توجه به توانمندی زنان	حذف نگاه جنسیتی	
۲	تقویت اعتمادبه‌نفس و افکار؛ ضعیفه تلقی نکردن خود؛ همراه شدن جسم با فکر؛ خود را مدیر خانه و منشأ انرژی دانستن	خودباوری		
۲	تسریع و تأخیر روند تغییرات فرهنگی از طریق ساختار و کارگزار، مدیریت این تغییرات؛ داشتن اراده تغییر در سطح سیستم و ساختار	مدیریت تغییرات	رهبران و کارگزاران جامعه	
۲	برای افراد دارای الزامات اولیه شایسته‌سالاری (اعتمادبه‌نفس، تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز) از طریق رسانه‌های مکتوب و معتمدان محل	حاکمیت	عدالت رسانه‌ای	
۱۵	ارائه الگوهای درست از طریق نظام آموزش؛ سرمایه‌گذاری؛ انجام فعالیت‌های زیاد فرهنگی؛ عوض شدن نگاه‌ها	نظام آموزش و تربیت		
۱	نیاز به سرمایه‌گذاری برای حل مسائل زنان در عرصه‌های مختلف	عرصه‌های مختلف		

منبع: نگارنده (یافته‌های پژوهش)

نمودار شماره (۹). فراوانی عبارتهای معنایی راهکارهای افزایش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان



منبع: نگارنده (یافته‌های پژوهش)

در بررسی راهکارهای افزایش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان براساس مقوله‌های فرعی اول، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۵)، در قالب نمودار شماره (۹) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که مهم‌ترین راهکار افزایش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان (به‌نظر مصاحبه‌شوندگان) «تغییرات فرهنگی، ساختاری، و قانونی» است.

نمودار شماره (۱۰). فراوانی عبارتهای معنایی راهکارهای افزایش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان



منبع: نگارنده (یافته‌های پژوهش)

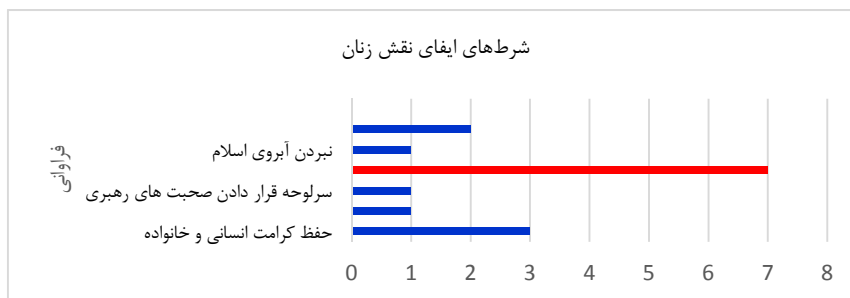
در بررسی راهکارهای افزایش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان، براساس مقوله‌های فرعی درجه دوم، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰

نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۵)، در قالب نمودار شماره (۱۹) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که از میان دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان، مؤلفه «حذف نگاه جنسیتی» به‌عنوان مهم‌ترین راهکار افزایش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

۵-۳. شرط‌های مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی

با توجه به نیازهای متفاوت زنان و مردان و همچنین، تفاوت تجربه‌ها و سلیقه‌ها، حضور نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان لازم است؛ بنابراین، در این مورد موانع و راهکارهای حضور زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری، بررسی و تحلیل شد، اما نکته‌ای که در این مورد نباید از آن غافل شویم، بحث تعادل ساختاری، نه در جنسیت، بلکه در به‌کارگیری نیروها براساس اولویت نیاز است. به‌عبارت روشن‌تر، تنها به‌سبب زن بودن و حتی بحث تعادل جنسیتی و توانمندی زنان نباید اولویت‌هایی که باعث حفظ جامعه و خانواده از آسیب می‌شوند را نادیده گرفت. زنان نماینده موردمصاحبه بر برخی مبانی و پیش‌شرط‌های به‌کارگیری زنان در عرصه مدیریتی تأکید داشتند؛ بنابراین، لازم است که در این بخش به آن‌ها اشاره کنیم تا در صورت رفع موانع و مشکلات نخبگان سیاسی زن، موردتوجه قرار گیرند.

نمودار شماره (۱۱). فراوانی عبارتهای معنایی مبانی مشارکت زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری

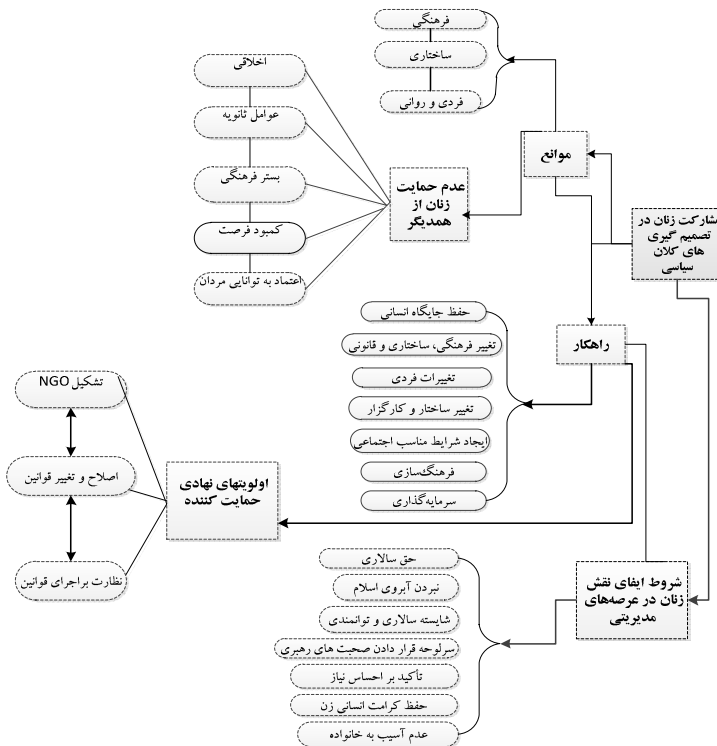


منبع: نگارنده (یافته‌های پژوهش)

در بررسی شرط‌های ایفای نقش نخبگان سیاسی زن در جایگاه کلان تصمیم‌گیری‌های سیاسی، براساس مقوله‌های فرعی درجه دوم، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع ۲۰ نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم در جدول شماره (۲) تا (۵)، در قالب

نمودار شماره (۱۱) تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از این است که اکثر مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین شرط ایفای نقش نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان را داشتن شایستگی و توانمندی دانسته‌اند.

شکل شماره (۳). مشارکت زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری سیاسی براساس موانع و راهکارها



منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

در این پژوهش موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در جایگاه‌های کلان تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی بررسی شد. یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مجموع بیست نفر از زنان نماینده دوره اول تا دهم مجلس حاکی از این است که مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان، عوامل ساختاری و فرهنگی همراه با هم هستند. هرچند عوامل فرهنگی زمینه‌ساز هستند، اما این عوامل به‌دلیل پیروی ساختارها از فرهنگ جامعه می‌توانند بر یکدیگر تأثیرگذار باشند و

مانع حضور فعال زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری شوند. نکته مهم در یافته‌ها این است که مسائل زیستی و تفاوت‌های بیولوژیکی، تأثیر زیادی بر عدم حضور فعال زنان در جایگاه‌های کلان مدیریتی ندارند و همچنین، مسائل فردی در این زمینه تأثیر بسیار اندکی دارند. در میان عوامل اشاره‌شده در مورد موانع مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان (از نظر مصاحبه‌شوندگان) (عوامل ساختاری و فرهنگی) مسئله مردسالاری است. عمده‌ترین مانع فرهنگی مشارکت نخبگان سیاسی زن در تصمیم‌گیری‌های کلان (از نظر مصاحبه‌شوندگان) عدم باور به توانمندی‌های زنان بوده است. بیشترین موانع ساختاری مشارکت نخبگان سیاسی زن در تصمیم‌گیری‌های کلان، انحصار قدرت در جامعه توسط مردان است. مهم‌ترین مانع فردی و روانی مشارکت نخبگان سیاسی زن در تصمیم‌گیری‌های کلان، عدم خودباوری زنان است. در بررسی علت عدم حمایت زنان از یکدیگر در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی، یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه براساس بیشترین مورد اشاره‌شده، عوامل اخلاقی و روانی (ترس از دست دادن موقعیت و عدم خودباوری) است. هریک از این عوامل نیز نتیجه انتصاب‌های مردانه است. در بررسی حمایت از زنان در قالب نهادهای مدنی یا تغییر قوانین، در میان عوامل مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان، بیشترین فراوانی به اصلاح و تغییر قوانین مربوط می‌شود. همچنین اشاره شده است که تا قوانین اصلاح نشده یا تغییر نکنند، بحث در حوزه زنان بی‌فایده است. لازمه تغییر قوانین نیز داشتن اراده تغییر و مدیریت این تغییرات است. در میان پاسخ‌های مربوط به پرسش از راهکارهای افزایش حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان، بیشترین فراوانی به تغییرات فرهنگی، ساختاری، و قانونی اختصاص دارد. در واقع، لازم است که مسائل در چارچوب نوعی نگاه همه‌جانبه و سیستمی حل شود و مهم‌ترین اقدام در این زمینه، حذف نگاه جنسیتی است. افزون‌براین، شایستگی و توانمندی، مهم‌ترین شرط‌های ایفای نقش نخبگان سیاسی زن در جایگاه‌های کلان تصمیم‌گیری‌های سیاسی قلمداد شده‌اند؛ بنابراین، خود جامعه زنان نیز ایفای نقش فعال در عرصه‌های کلان را به هر قیمتی قبول ندارند. روی‌هم‌رفته، مهم‌ترین علت عدم مشارکت فعال زنان در عرصه‌های کلان سیاسی، به جامعه‌پذیری افراد مربوط می‌شود که رفتارهای قالبی و کلیشه‌ای را شکل

می‌دهد. داشتن اعتماد به نفس، کلید اصلی پیشرفت در زمینه مدیریتی است و باعث می‌شود که زنان، راحت‌تر با موانع روبه‌رو شوند، از شکست‌ها ناامید نشوند، و جرئت انجام کارهای بزرگ و خطرپذیر را داشته باشند. اعتماد به نفس پایین، باعث رقابت‌پذیری کمتر زنان و احساس تنهایی شده است. سازمان‌های حامی زنان، نقش مؤثری در تشویق آنان به مشارکت در عرصه‌های کلان سیاسی دارند. چنانچه موانع حضور زنان برای ورود به عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری و مدیریتی برطرف شود و آن‌ها از معلومات و توانایی خود بهتر بهره ببرند، زمینه‌های زیادی برای بارورتر شدنشان فراهم می‌شود.

آنچه در حل مسئله محدود بودن حضور زنان در عرصه‌های کلان مدیریتی به ما کمک می‌کند، داشتن نگاه همه‌جانبه‌گرایانه و سیستمی است؛ بنابراین، توجه به این موانع و راهکارها برای به‌کارگیری زنان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری باعث پیشگیری از پیامدهایی مانند محروم ماندن کشور از تصمیم‌های نیمی از جامعه و در نتیجه، جاری شدن خشونت در سیاست است، زیرا فرصت ندادن به حضور فعال سیاسی زنان، خود به‌نوعی ضایع کردن سرمایه جوانی آنان و ظلم به قشری جوان، با استعداد و بانگیزه است. جلوگیری از تکامل و توسعه جامعه به زیان خود نظام نیز هست. در واقع، زنان به‌لحاظ آماری نیمی از جامعه هستند، اما به‌لحاظ آثاری، همه جامعه‌اند، زیرا مادر بانشاط، باعث داشتن خانواده سالم و بانشاط و در نتیجه، جامعه سالم و بانشاط می‌شود. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه امروز حل‌نشده باقی مانده است که این خود، حاکی از بی‌توجهی به پژوهش‌های انجام‌شده در بررسی مسائل و موانع مشارکت فعال زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان مدیریتی و اجرایی کردن آن راهکارها برای تعالی زنان و نظام است.*

یادداشت‌ها

۱. مصاحبه با خانم مریم بهروزی به دلیل اینکه در قید حیات نبودند به صورت اسنادی انجام شد و داده‌ها برگرفته از مصاحبه پیشین ایشان با آقای میردار است (میردار، مرتضی (۱۳۸۸)، مصاحبه با مریم بهروزی، خاطرات، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، معاونت تاریخ شفاهی).

منابع

- انصاری، محمدمهدی (۱۳۸۶)، *نخبه‌پروری سیاسی*، تهران: نشر دادگستر.
- بروک، بریگیته (۱۳۸۵)، «جامعه‌پذیری: زنان و مردان چگونه ساخته می‌شوند؟»، ترجمه مرسده صالح‌پور، در کتاب: *شهبلا اعزازی (تنظیم مقالات)*، فمینیسم و دیدگاه‌ها: مجموعه مقالات، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ترابی، یوسف (۱۳۹۲)، «تعارض نخبگان سیاسی و راهبردهای مدیریت آن»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال ۱۹، ش ۷۲.
- تسلیمی، سعید؛ صفری، حسین؛ و سید دانش، سید یحیی (۱۳۸۳)، «بررسی الگوی سه نوع تصمیم‌گیری حضرت امام خمینی (ره) با استفاده از مدل تصمیم‌گیری حکیمانه-برویکرد فازی»، *روانشناسی: دانش‌ور رفتار*، ش ۸.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ سیزدهم، تهران: سمت.
- حاجی‌پور ساردویی، سیمین؛ مجتبی مقصودی (۱۳۹۶)، «علاقه زنان و مشارکت سیاسی پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه رگرسیونی»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال هفتم، شماره ۴۶.
- حاجی‌پور ساردویی، سیمین؛ مقصودی، مجتبی (۱۳۹۵)، «تحلیل فرهنگی سیاست حضور زنان در مجلس شورای اسلامی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۴.
- حاجی‌پور ساردویی، مرضیه (۱۳۹۸)، *زنان و مشارکت سیاسی (واکاوی سیاست حضور زنان در مجلس شورای اسلامی)*، تهران: ذهن‌آویز.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۳)، «راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان در ایران و دیگر کشورهای اسلامی»، در کتاب: *نجف‌قلی حبیبی و محمدحسین پناهی (کوشش و گردآوری) مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- خاکسار، علی (۱۳۸۰)، *مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- خسروی، ملک‌تاج (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی زنان و توسعه سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، سال اول، ش ۴.
- خسروی، محمدعلی؛ دهشیار، حسین؛ السادات ابطحی، صفی‌ناز (۱۳۹۱)، *چگونگی توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در ساختار تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی*، پژوهشنامه روابط بین‌الملل.

خلیلی، محسن (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۲.

دادپرو، شبنم (۱۳۹۰)، «زنان در سطح نخبگان سیاسی در آمریکا، عوامل مؤثر در محدودیت مشارکت»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۵، ش ۲.

دلور، علی (۱۳۸۲)، روش‌های پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور

دوانی، فرزانه (۱۳۸۳)، زنان در چالش با سنت‌گرایی: تحقیقی پیرامون حقوق اجتماعی زن در ایران، تهران: نخستین.

رحیمی، جلال (۱۳۹۲)، سازمان و مدیریت موفق، تهران: انتشارات سپهر دانش.

رئیس دانا، فربرز (۱۳۸۳)، «عوامل ایجاد فساد اداری-مالی در ایران»، در کتاب: انجمن جامعه‌شناسی ایران مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد ۶، مسائل و جرائم مالی-اقتصادی و سرقت، تهران: آگاه.

زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۲)، «ارتقای مشارکت سیاسی زنان در سطوح مدیریتی ایران»، دانش مدیریت، ش ۶۲.

زنگنه، محمد؛ احمدی، حبیب (۱۳۸۳)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده»، در کتاب: انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد سوم، پرخاشگری و جنایت، تهران: آگاه.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴)، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک.

سیدامامی، کاووس (۱۳۹۴)، روش‌های مصاحبه برای پژوهش‌های سیاسی، تهران: دانشگاه امام صادق.

فریدمن، جین (۱۳۸۱)، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.

کوئن، بروس (۱۳۸۷)، مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی، چاپ بیست‌ویکم، تهران: سمت.

مدرس‌زاده، شیوا؛ نوابخش، مهرداد؛ نوذری، حسینعلی (۱۳۹۶)، «عوامل مؤثر بر توانمندشدن زنان نخبه‌ی سیاسی (مورد مطالعاتی: زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی)»، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، ش ۲.

میردار، مرتضی (۱۳۸۸)، مصاحبه با مریم بهروزی، خاطرات، مرکز اسناد انقلاب اسلامی. معاونت تاریخ شفاهی.

ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲)، موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: کویر.

نظری، مینا؛ علی‌حسینی، علی؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و مشارکت سیاسی زنان»، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال پنجم.

هارتمن، هایدی (۱۳۸۵)، «سرمایه‌داری، مردسالاری و تفکیک شغل براساس جنس»، ترجمه آویده نهاوندی، در کتاب: شهلا‌عزازی (تنظیم مقالات)، فمینیسم و دیدگاه‌ها: مجموعه مقالات، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

هولستی، ال آر (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

Allen, B. & Reser, D. (1990), *Content Analysis and Information Science Research*, 12,3(July – Sep).

Baxter, Sanadra and Marjorie Lansing (1980), *Women and Politics: The Invisible Majority*, Michigan: University of Michigan Press.

Cavanagh, S. (1997), "Content Analysis: Concepts, Methods and Applications", *Nurse Researcher*, 4(3).

Freud, S. (1989), *Introduction a La Psychanalyse*, Petit Bibliotheque Payot.

Furber C. (2010), "Framework Analysis: a Method Foranalyzing Qualitative Data", *African Journal ofMidwifery & Womens Health*; 4.

Hsieh, H.F. & S.E. Shannon (2005), "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research*, 15(9).

Parry, Geraint, George Moyser, Neil Day (1992), *Political Participation and Democracy in Britain*, Cambridge: Cambridge University Press.

Smith J, Firth J. (2011), "Qualitative Data Analysis: the Framework Approach", *Nurse Researcher*, 18.

Kaase, max and Alan march (1979), "Political Action. A Theory Cal Perspective", In: *PoliticalAction, Participation In Five Western Democracies*, London: Sage.

Norris, Pippa (2001), *Count Every Voice: Democratic Participation World wide*, Manuscriptavailable.